



کتابخانه جای وحشتناکی است!؟

سید میثم موسوی

تصویرگر

دکتر محسن حاجی‌زین‌العابدینی



عضو هیئت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی و کتابدار

بعد ادامه داد: «حالا کاش دخترم نسبت به کتابخانه نظر بهتری پیدا می‌کرد و می‌تونست از فضای اونجا بیشتر استفاده کنه. برای ما هم خیلی خوب می‌شد. هم خیالمون بابت دسترسی به کتاب‌های خوب راحت می‌شد، هم اینکه شاید می‌تونست برای ما هم کتاب‌های مناسبی امانت بگیره و بیاره. این ماجرا فکر مرا خیلی به خودش مشغول کرد.

فکری به سرم زد. گفتم این‌طور نمی‌شود... نمی‌شود بی تفاوت نشست. اگر من اتفاقی مهمان آن خانواده نبودم، متوجه چنین مشکلی نمی‌شدم. از طرف دیگر، از کجا معلوم که این مشکل فقط مشکل این دخترخانم نوجوان باشد؟ چه بسیار افراد دیگری که ممکن است در موقعیت ایشان باشند و فرصت بیان آن برایشان فراهم نشده باشد. به همین خاطر، فکر کردم که چقدر خوب می‌شود که کاری انجام دهیم تا اگر کس دیگری هم مثل ایشان باشد، بتواند مشکل خودش را به راحتی حل کند.

با این افکار بود که به میزبان محترم پیشنهاد دادم که یک روز به اتفاق دخترخانم ایشان به کتابخانه برویم تا هم او بتواند از کتابخانه استفاده کند و هم من بتوانم چیزی بنویسم که به بچه‌هایی مثل ایشان در رفع مشکلاتشان با کتابخانه کمک کند. یک روز صبح، با هم رفتیم کتابخانه. دختر باهوشی بود و معلوم بود هم از کتاب خواندن کیف می‌کند و هم از اینکه مطالب آن‌ها را خیلی خوب یاد گرفته و حسابی باسواد است. گفتم: «می‌شود حرف‌های شما را ضبط کنم تا بعداً هم خودم گوش کنم هم به دوستانم فریما بدهم؟» خوشحال شدم و گفتم: «فکر خیلی خوبی است؛ به شرط اینکه این مطالب را روی کاغذ بنویسی و به خودم هم بدهی.» قبول کرد و رفتیم توی کتابخانه.

درباره جزئیات حضورمان در کتابخانه چیزی نمی‌نویسم. فقط

شیرینی را که تعارفم کرد، گفت: «شنیده‌ام شما توی کتابخانه کار می‌کنید.»

گفتم: «بله، کتابدارم.»

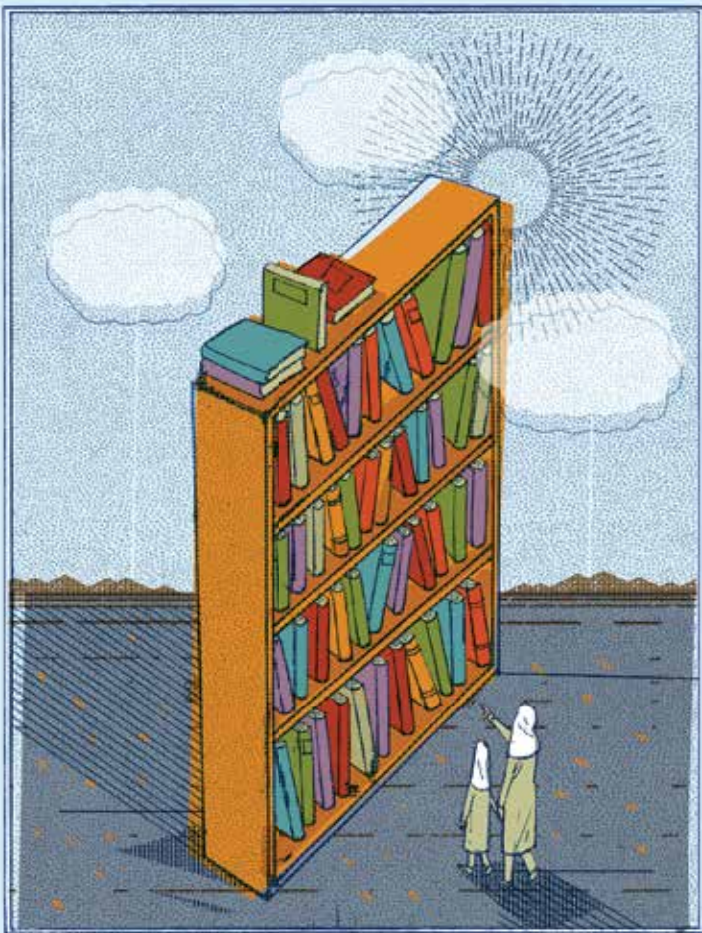
گفت: «چه خوب، دخترم خیلی کتاب خوندن رو دوست داره و دائم به من و بابا و برادرش می‌گه فلان کتاب رو برام بگیرید. چرا من کتاب... رو ندارم...»

گفتم: «این که خیلی عالیه. ماشاءالله! چند سالشونه؟»

در حالی که لوح تقدیر مسابقه بهترین کتاب‌خوان مدرسه را نشانم می‌داد، گفت: «۱۲ سالشه، ولی خوب خودتون بهتر می‌دونید، الان نمی‌شه همه کتاب‌هایی رو که می‌خواد، براش تهیه کرد. خب کتاب خیلی گرونه. نمی‌شه همه‌شون رو خرید. خیلی هاشون پیدا نمی‌شه. تازه توی این خونه کوچیک ما که همیشه این همه کتاب رو جا داد.» به بالای ویترین گوشه اتاق پذیرایی اشاره کرد و ادامه داد: «ببینید... دیگه توی اتاق‌ها جا نیست... این کتاب‌ها رو این بالا گذاشتیم.»

گفتم: «خیلی خوشحال‌کننده است که این قدر به کتاب علاقه داره ولی چرا از کتابخانه استفاده نمی‌کنه؟»

گفت: «اتفاقاً به خاطر همین می‌خواستیم از شما راهنمایی بگیریم. چند بار بهش گفتیم برو عضو کتابخانه شو، ولی میگه دوست ندارم. تا اینکه چند وقت پیش وقتی خیلی بهش اصرار کردم، بغض گلوش رو گرفت و گفت: کتابخانه وحشتناکه. من دیگه اونجا نمی‌رم. آخه من اصلاً بلد نیستم کار کتابخانه چه جوریه. یه بار هم که رفتم و نمی‌دونستم چطوری از کتاب‌ها استفاده کنم، کتابدار بهم تشر زد. آخه من رفته بودم و کتاب دانشنامه جانوران سمی رو برداشته بودم و می‌خواستم بیارم خونه که بخونم. اون خانومه هم عصبانی شد و گفت: بهت یاد ندادن که این کتاب مرجعه و نمی‌شه با خودت ببریمش. من دیگه اونجا نمی‌رم.»



اینکه خوشبختانه باعث شد بعداً یکی از اعضای فعال کتابخانه باشد. طبق قول و قرارمان، لطف کرد و مطالبی را که گفته بودم، از روی فایل ضبط شده پیاده کرد و برایم فرستاد. در نامه‌ای هم که برایم نوشته بود، ضمن تشکر از من، گفته بود که این فایل و مطالب پیاده شده آن بین همه هم‌کلاسی‌ها و دوست‌های کلاس شطرنج و زبانش دارد می‌چرخد و همه بچه‌هایی که مثل او مشکل داشته‌اند، الان در کتابخانه‌های محله یا مدرسه‌های خودشان جزء افراد فعال شده‌اند.

بد نیست که آن‌ها را برای بچه‌های علاقه‌مند دیگر در اینجا مطرح کنم.

آن دخترخانم مطالب مرا این شکل نوشته و جمع‌بندی کرده بود:

کتابخانه

کتابخانه جایی است که وظیفه‌اش تهیه کتاب‌ها و منابع اطلاعاتی مثل مجله، فیلم، موسیقی، پایان‌نامه، وبگاه‌های اینترنتی و هر چیز خواندنی دیگری برای استفاده کنندگانش است. البته این منابع را تهیه نمی‌کند که فقط نگه دارد، بلکه همه را تهیه می‌کند تا در اختیار کسانی قرار دهد که به کتابخانه می‌آیند. کتابخانه‌ها هم باید به علم، پژوهش، یادگیری و دانایی توجه کنند و هم به تفریح و سرگرمی مردم. البته کتابخانه‌ها انواع مختلف دارند؛ مثل:

کتابخانه عمومی: کتابخانه‌ای که در همه شهرها و روستاها وجود دارد و باید به همه کسانی که در آن منطقه زندگی می‌کنند، خدمات کتابخانه‌ای بدهد؛ یعنی اینکه بداند مردم آن محله‌ها چه فرهنگ، زبان و اخلاقی دارند و مناسب با آن ویژگی‌ها، کتاب‌ها و منابع کتابخانه‌ای برایشان فراهم کند.

کتابخانه آموزشی (مدرسه‌ای):

کتابخانه‌ای است که در هر مدرسه تشکیل می‌شود و وظیفه‌اش این است که به بچه‌های آن مدرسه و معلم‌هایشان کتاب و منابع اطلاعاتی مناسب ارائه کند.

کتابخانه اختصاصی:

کتابخانه‌هایی که در سازمان‌ها و اداره‌ها تشکیل می‌شوند و وظیفه آن‌ها ارائه کتاب‌ها و منابع اطلاعاتی به اعضای

آن سازمان‌ها به صورت تخصصی است؛ یعنی اینکه باید ببینند موضوع کار آن سازمان چیست و بر آن اساس، کتاب‌ها را تهیه کنند.

کتابخانه دانشگاهی: برای دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها تشکیل می‌شود و منابع و کتاب‌های آن، شامل مطالب جدید و روزآمد علمی است.

کتابخانه ملی: در هر کشوری معمولاً یک کتابخانه ملی وجود دارد. وظیفه کتابخانه ملی این است که همه کتاب‌ها و منابع علمی را که در آن کشور منتشر می‌شود، گردآوری کند و از هر کتابی حداقل یک نسخه داشته باشد. همچنین، هر کتاب یا مطلبی را هم که در مورد آن کشور، مثلاً ایران، در سراسر دنیا نوشته می‌شود، گردآوری و نگهداری می‌کند. این کتابخانه مخصوص پژوهشگران است.

کتابدار

کتابدارها افرادی هستند که برای یادگرفتن اصول کتابخانه‌داری به دانشگاه رفته‌اند و درس‌هایی مثل انتخاب کتاب، سازماندهی اطلاعات، بانک‌های اطلاعاتی، مدیریت مرجع، و مخاطب‌شناسی در زمینه کتابخانه را یاد گرفته‌اند. خودشان هم معمولاً آدم‌های کتاب‌خوانی هستند. شاید برداشت عمومی از کتابداران مثل آن عکس معروف توی بیمارستان‌ها، انگشتشان را روی لب بگذارند و بگویند هیسسسس! در حالی که این گونه نیست. کتابدارها درس‌هایی می‌خوانند که در همه آن‌ها تأکید می‌شود که در خدمت مخاطب کتابخانه باشید، همواره روی گشاده داشته باشید و هر کسی را که طالب دانش است، به بهترین شکل ممکن راهنمایی کنید. کتابدارها با تمام وجود در خدمت اعضا و مخاطبان کتابخانه‌ها هستند؛ چرا که می‌دانند اگر مخاطبی به کتابخانه نیاید، شغل آن‌ها هم کوچک‌ترین ارزشی نخواهد داشت.



کتابخانه‌ای که در همه شهرها و روستاها وجود دارد و باید به همه کسانی که در آن منطقه زندگی می‌کنند، خدمات کتابخانه‌ای بدهد؛ یعنی اینکه بداند مردم آن محله‌ها چه فرهنگ، زبان و اخلاقی دارند و مناسب با آن ویژگی‌ها، کتاب‌ها و منابع کتابخانه‌ای برایشان فراهم کند

کتابدارها دوستان شما هستند؛ دوستانی که ضمن رعایت مقررات کتابخانه‌ای، همواره شما را به سوی دانش و آگاهی فرامی‌خوانند. شما هم با آن‌ها دوست باشید.

پیدا کردن کتاب

در کتابخانه، کتاب‌ها و منابع اطلاعاتی زیاد و متنوعی وجود دارد که هیچ کس نمی‌تواند اسم و مشخصات همه آن‌ها را به خاطر بسپارد. به همین خاطر، ابزارهایی اختراع شده‌اند که برای پیدا کردن این اطلاعات در کتابخانه به ما کمک می‌کنند. در گذشته، برگه‌دان‌های کتابخانه این وظیفه را بر عهده داشتند و عملیات بازیابی و به‌صورت دستی انجام می‌شد اما اکنون نرم‌افزارهای پیشرفته کتابخانه‌ای وجود دارند که هر چه را درون کتابخانه هست، به راحتی در اختیار ما قرار می‌دهند. استفاده از این نرم‌افزارها خیل ساده است. اگر در مورد یک منبع اطلاعاتی، مثل کتاب یا مقاله، مشخصاتی مثل نویسنده، عنوان (اسم کتاب) یا موضوع را در اختیار داشته باشیم، به راحتی می‌توانیم با جست‌وجو در نرم‌افزار رایانه‌ای کتابخانه جای آن را در کتابخانه پیدا کنیم. وقتی در نرم‌افزار آن منبع را پیدا کردیم، سیستم یک شماره به ما می‌دهد که به آن «شماره رده‌بندی» یا «شماره بازیابی» می‌گویند. این شماره را باید روی تکه‌ای کاغذ یادداشت کنیم و به درون قفسه‌های کتابخانه برویم و کتاب مورد نظرمان را پیدا کنیم. پس، اگر بلد نیستید از نرم‌افزار کتابخانه‌ای استفاده کنید، اصلاً جای نگرانی و ترس نیست. یکی از مهم‌ترین وظایف کتابدارها این است که روش استفاده از کتابخانه و نرم‌افزار مربوط به آن را به مخاطبان کتابخانه یاد بدهند.

مخزن کتابخانه

مخزن کتابخانه جایی است که کتاب‌ها و منابع اطلاعاتی را درون آن نگهداری می‌کنند. مخزن‌ها معمولاً نظمی مشخص دارند؛ مثلاً مخزن کتاب‌ها براساس رده‌بندی کتابخانه، که شاید رده باشد، منظم می‌شود. مخزن نشریات که به آن آرشیو نشریات (DDC) یا دیویی (LC) بندی کنگره یا مجلات هم می‌گویند. معمولاً براساس ترتیب الفبایی نام نشریات تنظیم می‌گردد. مخزن پایان‌نامه‌ها براساس شماره ثبت پایان‌نامه، از عدد ۱ تا هر چند پایان‌نامه‌ای که در کتابخانه باشد، تنظیم می‌شود. مخزن کتابخانه مهم‌ترین قسمت آن است؛ زیرا همه منابع اطلاعاتی کتابخانه در آنجا نگهداری می‌شود.

قفسه باز یا بسته

قفسه محفظه‌ای است که آن را درون مخزن می‌گذارند و کتاب‌های کتابخانه را توی آن نگه می‌دارند. البته مردم معمولاً در خانه‌های خودشان به قفسه‌ای که در آن کتاب نگه می‌دارند، کتابخانه می‌گویند که اشتباه است. این‌ها قفسه هستند و برای منابع مختلف انواع متفاوتی دارند، اما دو اصطلاح در کتابخانه

رایج است که دانستن آن‌ها به شما کمک می‌کند که از کتابخانه بهتر استفاده کنید. «قفسه بسته» به کتابخانه‌ای می‌گویند که اعضا نمی‌توانند وارد مخزن آن شوند و لابه‌لای قفسه‌ها به دنبال کتاب خود بگردند. در این کتابخانه‌ها، باید بعد از پیدا کردن کتاب مورد نظر در نرم‌افزار کتابخانه‌ای، شماره رده‌بندی را روی تکه‌ای کاغذ یادداشت کنیم و به کتابدار بدهیم تا کتاب مورد نظر ما را بیاورد. نوع دیگر کتابخانه‌ها، «قفسه باز» هستند. در این کتابخانه‌ها، اعضا می‌توانند وارد قفسه‌های کتابخانه شوند و در بین کتاب‌ها بگردند و کتابی را که می‌خواهند بردارند و از آن استفاده کنند. قفسه باز معمولاً بهتر است؛ چرا که مخاطبان می‌توانند در لابه‌لای قفسه‌ها، کتاب‌های دیگر را نیز ببینند و کتاب‌های بیشتری پیدا کنند.

امانت کتاب

یکی از مهم‌ترین کارهایی که در کتابخانه انجام می‌گیرد، امانت کتاب و سایر منابع اطلاعاتی است. شاید بیشترین ذهنیتی که ما از کتابخانه داریم همین امانت دادن کتاب است. امانت یعنی اینکه هر عضوی بتواند هر کتابی را می‌خواهد، از بین کتاب‌ها انتخاب کند و طبق قانون کتابخانه آن را بگیرد و با خودش ببرد. مدت زمان امانت در کتابخانه‌های مختلف و برای اعضای متفاوت، فرق می‌کند؛ مثلاً در یک کتابخانه معمولی، یک دانش‌آموز می‌تواند فقط ۳ کتاب را برای مدت ۱۰ روز به امانت ببرد اما یک دانشجو می‌تواند ۵ کتاب را برای مدت ۱۵ روز امانت بگیرد. هر فرد برای اینکه بتواند کتاب به امانت بگیرد، حتماً باید عضو کتابخانه باشد.

جریمه در کتابخانه

وقتی کتابی را به امانت می‌گیری، باید آن را سالم نگه داری؛ چون هنگام بازگشت کتاب، آن را بررسی می‌کنند که پاره یا کثیف نشده باشد، اگر کتاب پاره یا کثیف شده باشد، امانت‌گیرنده باید یک کتاب نو مثل همان را بگیرد یا اینکه پولش را به کتابخانه بپردازد. اگر کتاب‌ها را سر وقت می‌مشتخص کرده‌اند به کتابخانه تحویل ندهی، برایت جریمه تأخیر (دیرکرد) در نظر می‌گیرند.

البته اگر کتابی را که امانت گرفته‌ای احتیاج داشته باشی و زمان بازگشت آن به کتابخانه فرا رسیده باشد، می‌توانی آن را تمدید امانت کنی؛ یعنی به کتابخانه مراجعه کنی و اگر کسی دیگری آن کتاب را نخواسته باشد، برای یک دوره دیگر (مثلاً ۱۰ روز) آن را پیش خودت نگه داری. یک عضو خوب همیشه مقررات کتابخانه را رعایت می‌کند تا بتواند از امکانات رایگان آن استفاده کند.



**کتابدارها
درس‌هایی
می‌خوانند که در
همه آن‌ها تأکید
می‌شود که در
خدمت مخاطب
کتابخانه باشید،
همواره رویی
گشاده داشته
باشید و هر کسی
را که طالب دانش
است، به بهترین
شکل ممکن
راهنمایی کنید**